

پشت پرده قانون امر به معروف و نهی از منکر

(قسمت آخر)

غده چرکین، فرهنگ اسلامی

اميرفيض- حقوقدان

این تحریر نیاز به یک مقدمه کوتاه دارد.

واژه ها، کلام و شعارها در فلسفه مبارزه، در مفهوم سنگرمبارزه عمل میکنند. یعنی هرکلامی، سنگر پایداری و دفاع از بخشی از عقیده سیاسی است؛ درست همانند آنکه هر سنگری در جنگ وظیفه دفاع از بخشی از جنگ را دارد. همانطور که وقتی مدافعان سنگری بی اعتناء به حساسیت موقعیت خود بودند و سنگرشان بدست مهاجمان افتاد رسوخ به قلعه مدافعان آسان میشود، مبارزه سیاسی هم همان شکل را دارد.

در کلامی دیگر مبارزه سیاسی در مفهوم شعارها شناخته میشود و همینکه شعار مبارزه بدست دشمن افتاد در واقع کار مبارزه ساخته است درست به عینه پرچم که وقتی بدست دشمن افتاد، هرکی به هرکی میشود و کار جنگ ساخته است.

هر قدر جمهوری اسلامی به اهمیت تسلط بر شعارها و کلمات و واژه های اختصاصی مخالفین جمهوری اسلامی حساس و کوشا در تصرف آن بوده و میباید مخالفین جمهوری اسلامی خاصه در خارج از کشور بکل از اهمیت آن غافلند.

لازم نیست که نمونه های بسیاری ردیف کرد نفرت از واژه های «ایران»، «ملت»، «نوروز»، «روشنفکر»، «آزادی»، «ملی»، «اقتصاد» و بسیاری مراتب دیگر که شعار شورشیان در سال نخست جمهوری بود با ملاحظه و مقایسه روند همان کلمات در این سالها تاسف و بیحالی ما در خالی کردن سنگرها و تحویل به آنها را نشان میدهد.

یکی از محققین جمهوری اسلامی نوشته است:

هرچه از عمر انقلاب اسلامی میگذرد، صدا و سیمای مابیشتر رنگ و بوی ایرانی میگیرد و سنگ ایرانی بودن را بیشتر به سینه میزنند و برخی از مسئولین کشور هم گویی که ایرانی بودن مثل عادی و مهربان و شجاع بودن و امثال آنهاست و کسانی هم پیدا شده و گفته اند من اول ایرانی هستم و بعد مسلمان (حیدری) گواه مسلم تحریرات سی و چند ساله سنگرموید حساسیت سنگربه حفظ شعارها و کلمات وابسته به مبارزه سلطنت طلبان بوده است.

از جمله واژه «ایران یاران» که برای اولین بار به ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی اختصاص یافت و سنگرم در شماره ای توضیح کافی درباره علت این عنوان ارائه داد و همچنین است عنوان «اصحاب حقیقی ایران» که برای اولین بار در سنگر ۲۹ دیماه سال ۶۲ شماره ۱۸۹ بکار رفت و در هر زمان که موضوعی خطاب به ایرانیان بوده از این عناوین استفاده میشد و این عناوین مانند پرچمی بود که نشان میداد، نوشته از جناح ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی است.

و اما بعد

در نوروز سال ۹۳ سید علی دسفر به مشهد گفت: فرهنگ از اقتصاد مهم تر است و فرهنگ را بمنزله هوایی برای تنفس مردم خواند.

مشکل بزرگ مبارزه ما با آخوند ها این است که ما اظهارات آنان را چنان برداشت معانی میکنیم که خود ما آنرا معنا میکنیم و این درست نیست؛ و مانند این است که در جبهه جنگ یک طرف معنای شپیور دشمن را نفهمد.

آنجا که سید علی گفته است؛ فرهنگ از اقتصاد مهم تر است معنای فرهنگ در قرآن به معنای دین است (آیه ۲۶ سوره مومنون) و مفهوم واقعی سید علی این است که دین از اقتصاد مهم تر است.

ما در این جریان، فرهنگ را به معنای اصیل و فلسفی آن میگیریم و از این حرف او یکه میخوریم.

کلام سید علی، دانه به برتری فرهنگ از اقتصاد، در تحریر (اقتصاد و فرهنگ در جامعه تشیع) ۱ در تاریخ ۳۱/۳/۲۰۱۴ به نقد رفت و موضوع اقتصاد در جامعه تشیع مطرح گردید و بحث فرهنگ در جامعه اسلامی به فرصت دیگری موکول شد. و اکنون که شیخ حسن در رابطه با قانون امر به معروف گفته است

«صاحبان فرهنگ به ارشاد و گشت ارشاد نیازی ندارند» موقعیتی است که بحث فرهنگ در جامعه اسلامی مطرح و قرار سابقه عمل گردد.



انسان، در آزادی بیان و بکار بردن کلمات وقتی آزاد است که قبلا خود را مقید به رعایت اصول و عقاید مشخصی نکرده باشد.

شیخ حسن و هریک از مصادره جمهوری اسلامی که خود را مقید به رعایت قانون اساسی جمهوری اسلامی میدانند نمیتوانند برخلاف آن قانون که استواری و مشروعیت آن یافته شده از قرآن و سنت است اظهاری بکنند مگر به نیت خدعه.

آنچه عرض شد يك اصل كلي است چنانكه درهموردی هم كه اعليحضرت برخلاف سوگند سلطنت اظهاری كردند سنگريه اعتراض و انتقاد برخاست.

اظهار شيخ حسن دائر به اينكه <صاحبان فرهنگ> به ارشاد وگشت ارشاد نيازى ندارند< اين سوال ابهامی را بوجود میآورد كه مقصود از فرهنگ در اشاره شيخ حسن چیست. درچنين مواردی معمول اين نيست كه پرسش شود ويا درمسيربحث وشناخت قرارگرفت، به پيوند های اعتقادی، تربيت و آموزش و بستگی های سياسی گوینده بايد رجوع كرد ودرک و قصد گوینده را ازبكاربردن <فرهنگ> دریافت.

بستگی های سياسی و اعتقادی شيخ حسن به اسلام و سوگند رياست جمهوری نشان میدهد كه فرهنگ دركلام او همان معنائی رامیدهد كه دركلام سيد علی میدهد يعنى دين اسلام. و صاحبان فرهنگ ميشود <ياران اسلامی - پيروان اسلام>.

واژه <فرهنگ> كه عربی آن <الثقافه> است درقرآن بكارگرفته نشده زيرا معنا ومفهوم الثقافه همان اسلام است و اين بدان معناست كه فرهنگ دراسلام جایی ندارد. باتوجه به تاكيد عاميت وكاملت قرآن، اساسا بحث فرهنگ، دراسلام بحث موجه اسلامی نيست. وهمانطور كه عرض شد فرهنگ در قرآن به معنای دين است نه آنچه كه ما بر آن معنا میدهيم.

درقرآن هيچگاه مسلمانان با عنوان اصحاب مورد خطاب قرار نگرفته اند وخطاب با عناوين ناس، مومن، مومنات وصالحات وبیشتر امت است.

امت، عنوان گروهی از مردم است كه فرهنگ = دين مشترك دارند ونحوه زندگى آنان مشترك و بر ضوابط اسلامی است.

اينجاست كه بخشى از ايرانيان با شنيدن واژه فرهنگ ازجانب سيدعلی و شيخ حسن تداعی ميکنند كه گرايش آنان برخاسته ازسنگرِباورهای ناسيونالیستی ايرانيان است، درحاليكه ابا چنين نيست.

مقصود آنان از فرهنگ همان دين است، نه فرهنگ به معنای تاريخی وفلسفی وباستانی آن كه بنام <فرهنگ ايرانى ويا فرهنگ ملی> ناميده ميشود و در مقابل آن، فرهنگ دينی (اسلامی) قراردارد.

فرهنگ دينی چیست

فرهنگ اسلامی به مجموعه ای از عقايد و باورها وسنت ورويه هاورسم ورسومى اطلاق ميشود كه متخذ ازقران وسنت باشد.

بنابراین مفهوم **فرهنگ اسلامی** (از اقوال مفسرین اسلامی اقتباس شده) مشخصات خاصی دارد که نشانگر وجه تمایز و اختلاف آن با فرهنگ ملی است که مهمترین آنها مشخصه زیر است:

منابع **فرهنگ اسلامی** قرآن و سنت است و از آنجا که قرآن و سنت ثابت است **فرهنگ اسلامی** پذیرای

نوآوری ها، دگرگونی ها و حرکت بسوی تکامل نیست و ثابت است؛ یعنی **فرهنگ اسلامی** از بدو پیدایش اسلام تا هزاران سال دیگر همچنان ثابت خواهد بود.

در حالیکه طبیعت فرهنگ ملی تحرک، نوآوری، تکامل و تغییر است و لحظه ای متوقف نیست.

تعریف جامع و کوتاهی از فرهنگ میگوید:

<فرهنگ راه و رسم ملتهاست> و میبینیم که مدام در حال تکامل و حرکت است راه و رسم ملت ایران چه در ادبیات و هنر و کیفیت زندگی و کسب و کار و شعر و موسیقی و روابط حقوقی و کشورداری از بدو پیدایش ملت ایران تا کنون مدام در حال تکامل و نوآوری و تغییر است، در حالیکه **فرهنگ اسلامی** از این رکن اساسی محروم است.^۲

همین جا این اشاره بجاست که فرهنگ اسلامی، توقف و ثابت بودن راه و رسم را نه تنها نقص نمیداند بلکه امتیاز فوق العاده ای هم میداند و توضیح آنها چنین است.

> **فرهنگ اسلامی** یک منظومه مشخص (قرآن و سنت) است که مدون است و میتواند نسخه راه و رسم زندگی تمام مردم جهان باشد و این امتیاز را نمیتوان در فرهنگ ملی یافت< (دائرت الاسلامی ظهور)

نتیجه گیری و اثبات موضوع

^۲ - قاسم صالح خو که دوست گرمابه و گلستان ابراهیم یزدی از جمله دست نشانده های سیا بود و در آغاز شورش برگردان گفتگوی خمینی با مایک والاس را داشت و سپس به سفارت در ژاپن مامور شده بود؛ گفته ای دارد که؛ ((بایستی از گاهشمار «قمری» بهره گرفت)) زیرا معتقد بود کسر آمدن «شب ها» (نه روزها) دلیل بر تحول و پویایی اسلام است. در صورتی که ماه کره ای است تابع زمین و زمین تابعی است از خورشید و هر دو در مدار خورشید میگردند و تابحال گاهشماری به پویندگی و دقت گاهشمار ایرانی ابداع نشده است. در «فرهنگ» اسلامی ها هر چیزی که پس مانده و متزلزل، واز جمله بی پایه باشد پذیرفته است. چه قرآن به «الشرقیین والغربین» اشاره دارد و دنیا را صاحب چند شرق و چند غرب میداند. از نادرستی های «فرهنگ» اسلام (قرآن) آنکه قرآن زمین را مسطح میداند و کوه ها را همانند میخی میداند که زمین را محکم نگاه داشته است. در نمونه زیر تفکر اسلامی و راستی علمی را ببینید.. ح-ک



یکی از طرق اثبات موضوعات، معاینه موضوع، از طریق بررسی عملی است (معاینه محل، در آئین دادرسی کیفری و حقوقی).

بررسی ملتهای مسلمان کشورهای جهان نشان میدهد که سیره و راه ورسم آن ملت ها ثابت و منطبق با سنت محمد نبوده و مدام تغییر کرده است و این تغییرات رادر تمام شئون زندگی آنان میتوان دید، حتی از تخیلی معده تا مسائل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی و غیره.

این بررسی و ملاحظات عینی میرساند که فرهنگ اسلامی برحسب تعریف و قیدی که اسلام بر آن گذاشته در جوامع اسلامی وجود ندارد و اگر هم با هجوم اعراب به ایران متولد شد ولی ادامه حیات نداد زیرا طبیعت انسان در جهت تکامل و تحول و مخالف سکون است و نمیتوانست فرهنگ اسلامی را تحمل کند در همین ایران که دین رسمی مردم اسلام نوشته شده آیا راه و روش ایرانیان از بدو تهاجم اسلام کاملاً منطبق باقرآن و سنت محمد و رعایت ثبات راداشته و یا بکل تغییر یافته است؟ حتی از فرهنگ آشپزی، ورزش، روابط مردوزن تا مسائل اقتصادی و اجتماعی یک لحظه درحالت سکون نبوده و مرتباً به استقبال تحول و نوآوری رفته است.

بنابراین بحث فرهنگ اسلامی در جوامع اسلامی یک بحث کتابی و تاریخی است، نه بحث عملی.

ارکان فرهنگ ملی و حضور دین

در تعریف فرهنگ ملی (فرهنگ ایران) آمده است:

فرهنگ ملی مشمل است:

- ۱- زبان پارسی و دیگر زبانهای ایرانی.
- ۲- اعیاد ملی شامل نوروز و شب یلدا و.....
- ۳- تقویم خورشیدی.
- ۴- دین اسلام و مذهب تشیع و زرتشت و مهرپرستی.
- ۵- ادبیات و شعر پارسی.
- ۶- معماری و خوراک های ایرانی و فرهنگ های محلی تیره های ایرانی.

غده چرکین در ارکان فرهنگ ملی ایرانیان

تشبیه غده چرکین در این مقال، به این معناست؛ همانطور که یک غده چرکین مانع سلامت بدن است حضور اسلام خاصه تشیع در کنار ارکان فرهنگ ملی ایرانیان همان حکم غده چرکین رادارد که مانع سلامت و حرکت و سازندگی و رشد فرهنگ ملی ایرانیان شده است.

تشبيه غده چرکين به اسلام در اين تحرير، اقتباس از خميني است که در شهريورماه سال ۵۸ خطاب به نمايندگان مردم تبريز در قم گفت: «مخالفتان ما مانند غده سرطاني هستند که بايد عمل کرد و بيرونش آورد والا همه چيز را فاسد ميکند».

شهادتها واقوال وآيات

اين تحرير، شهادت ها واقوال وروايات وآيات قرآن را براي اثبات موقعيت اسلام در فرهنگ ملي ايرانيان که دقيقا یک غده سرطاني ويا چرکين است ارائه ميدهد.

اسلام حاکم براي ايران که حتى حکومت را هم اشغال کرده اساسا قائل به ايران. ملت و مليت نيست تا چه رسد که بتواند رکنی از ارکان فرهنگ ايران قرار گيرد. حکومت اسلامي ايران که بقا وحيات سياسي خود را مديون تبعيت از افکار خميني ميداند تا حدی که اتهام جدائی وياکم توجهی به خط خميني را نميتابد.

اساسا براي ايران وملت و مليت اعتبار وجودی و حقوقی و عيني قائل نيست تا بتوان اسلام را رکنی از ارکان فرهنگ ايراني دانست.

به شهادتها واعلامات زير توجه فرمائيد:

❖ ما اصولا کشوري بنام ايران رانمی شناسيم. (خميني ديدار با خامنه ای دهه فجر سالگرد شورش اسلامي ۶۴)

❖ ما چقدر سيلی بخوريم از اين مليت ها اين ملي گراها که ميگويند مليت، بروند گمشوند.

(کنگره جهاني قدس جماران اسفند ۵۹)

❖ اين حسابها که صحبتش همه جا هست که ما ايراني هستيم و بايد به ملت و مليت کار داشته باشيم یک امر بي اساس در اسلام است. (ديدار با خانواده موسی صدر شهريور ۵۸)

❖ «خجالت نميکشيد که نوشته ايد فلان شخص، شخص ملي و ميهن پرستی است مردم شعار اسلام دادند و حالا که ميدان باز شده اسم ملي و ميهنی میآوری اين سخن امام است که فرمود: «مردم بايد جلوی آنها که صحبت از ملي ميکنند به ايستند.» (نامه مهدي کروي به بازرگان)

جمهوری اسلامي يعني مدون شدن افکار خميني بنا بر اين، اين جمهوری اسلامي است که «اصولا کشوري بنام ايران رانميشناسد و قائل به ملت و مليت نيست و آنرا بی اساس در اسلام ميداند».

آيا چنين چيزی ميتواند یکی از ارکان فرهنگ ملي ايرانيان باشد؟

آرکان، که از عناصر تشکيل دهنده یک مشروعيت ويا حق و عين است نميتواند در موقعيت تعارض ويا عدم قرارداد داشته باشد. رکن، احکامی دارد که ارتباط حقوقی آن با عدم منافی است.

اکنون به اختصار، جایگاه اسلام در یکایک ارکان تشکیل دهنده فرهنگ ایرانی برای حصول مقصود بنقد آورده میشود.

۱- زبان فارسی و دیگر زبانهای ایرانی

اسلام همواره یک زبان برای جهانیان قائل است آنهم عربی است؛ خمینی گفته است: «زبان عربی از ما نیست از قرآن است» رفسنجانی هم گفته: «مامعتقدیم که زبان آینده عربی است نه فارسی».

میرحسین موسوی در مراسم برگزاری هزاره فردوسی گفته: «ویراستن زبان فارسی از کلمات عربی در سال ۱۳۱۳ توطئه ای از سوی غربیان برای نابودی اسلام بوده است».

زبان رسمی جمهوری اسلامی که فارسی در نظر گرفته شده متناقض با اسلام است زیرا اسلام، فقط یک زبان دارد و آنهم عربی است که زبان قرآن هست بنابراین زبان کشور باید عربی باشد (خمینی)

این شهادتها ثابت میکند اسلام و حکومت اسلامی بکل بارکن اول فرهنگ ملی یعنی بازبان فارسی مخالف است.

۲- اعیاد ملی نوروز و ولدا

عید در اسلام = جمهوری اسلامی فقط عید فطر و قربان است، «قبل از اسلام حتی یهودیان مدینه دوروز را در سال جشن می گرفتند آنهم نوروز و مهرگان بود» (شیخ الخذیب مولانا)

شیخ مطهری معدوم (مغز متفکر فلسفی جمهوری اسلامی) گفته است: «کسانی که چهارشنبه سوری را جشن میگیرند و از روی آتش میپزند احمق هستند» (کنگره شعروادب دانشجویان ۲۶ اذر ماه ۶۳)

۳- تقویم خورشیدی

اسلام و منتبع آن جمهوری اسلامی با تقویم هجری شمسی مخالف است و آنرا تقویم آتش پرستان میداند و اگر جمهوری اسلامی از تقویم شمسی هم استفاده میکند از سرناچاری است تقویم مورد قبول آنان هجری قمری است که در ارکان فرهنگ ملی ایرانیان جایگاهی ندارد.^۲

بغض و کینه جمهوری اسلامی و اسلام را از اظهارات خمینی نسبت به تاریخ ایرانی میتوان شناخت:

«تاریخ مملکت را عوض کردند، به تاریخ گبرها، این خیلی بالاتر از این کشتارهایی است که کرده اند...» (سخنرانی در پاریس ۴ آبان ۵۷)

۴- ادبيات و شعر فارسی

ادبيات و شعر فارسی که یکی از ارکان مشخص فرهنگ ملی ایرانی است در اسلام آلوده به گرفتاری های سختی است. قرآن شعر را بطور کل مذمت کرده است ولی چون محمد نتوانست عادت اعراب را به شعر سد کند، تفسیری بر آن گذاشت بدین معنا که اشعار عاشقانه و یا در تجلیل از اشخاص و یا طبیعت و یا بطور کلی شعری که شنونده را از یاد خدا غافل کند مذموم است ولی اشعاری که در تحسین و تجلیل از مردان مومن خدا باشد مذموم نیست و در عین حال احادیثی از محمد روایت شده که گفته: <اگر دهان شما پر از زرد آب باشد و یا آن بخوابید بهتر است از دهانی که آلوده به شعر باشد.>

میر حسین موسوی هم در تنقید از حکیم ابوالقاسم فردوسی فصل نسرودن شعر برای امام حسین را بهانه ساخته است.

بمناسبت سالگرد انقلاب اسلامی (بخوانید شورش ۵۷) حوزه علمیه قم شب شعری از شعرای عرب تشکیل داد نه شعرای فارسی. (کیهان شماره ۱۹۰ بهمن ۶۱)

نتیجه گیری مختصر و مفید

دلایل ارائه شده بدین مقصود آمد تا ثابت شود دین اسلام و تبعات آن نمیتواند از ارکان فرهنگ ملی ایران باشد و زائده ای است همانند غده چرکین که فساد آن دامنگیر ارکان تشکیل دهنده عنصر فرهنگ ملی ایرانیان شده و بیشتر هم خواهد شد.

